



بیانات در دیدار مدال آوران المپیک و پارالمپیک - 21 / اسفند / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشحالم از دیدار شما عزیزان - قهرمانان، پهلوانان، افتخارآفرینان - که بحمدالله توانسته‌اید با همت، با اراده و عزم راسخ، قله‌ها را فتح کنید. مثل همین قله‌های کوه‌ها که کوهنوردان با زحمت و تلاش فراوان و صخره‌پیمائی و سنگ‌پیمائی، اینها را فتح میکنند و مایه‌ی افتخار میشوند، قله‌های افتخارات معنوی و ملی هم وقتی به وسیله‌ی جوانها فتح میشود، حقیقتاً خیلی باارزش است؛ و شما این کار را کرده‌اید.

دو تأثیر و دو عامل مهم در قهرمانها وجود دارد که باید به این دو توجه کرد: یکی مسئله‌ی شخصی است، یکی مسئله‌ی عمومی و اجتماعی است. در مسئله‌ی شخصی، جوانهایی که به قهرمانی دست پیدا میکنند، نشان میدهند و ثابت میکنند که دارای خصوصیات برجسته‌ای هستند؛ مثلاً اراده‌ی قوی‌ای دارند. ورزشکار اگر دارای اراده‌ی قوی و عزم راسخ نباشد، قطعاً به مرحله‌ی قهرمانی نمیرسد؛ اگر اراده نباشد، حتی ورزش هم نمیکند. با اینکه این همه راجع به ورزش گفته میشود - ورزش معمولی، نرمش صبحگاهی - اما بعضی‌ها حاضر نیستند ده دقیقه، یک ربع وقتشان را به این کار مصروف کنند؛ این کم‌ارادگی است. حالا وقتی یک جوانی ورزش میکند و سختی‌های جسمانی ورزش را تحمل میکند و با شوق و ذوق به سمت پرورش استعدادهای جسمانی و بدنی خودش حرکت میکند، این عزم راسخ را نشان میدهد؛ این یک نقطه‌ی خصوصیت شخصی است.

یک نقطه‌ی دیگر، مسئله‌ی هوش است. هیچ قهرمانی بدون داشتن یک هوش برتر، ممکن نیست به قهرمانی برسد. همه‌ی ورزشها همین جورند. یعنی صرفاً این نیست که کسی زور دارد و با زور این کار را انجام میدهد؛ نه، زور کافی نیست؛ هوشیاری لازم است. چه در ورزشهای دسته‌جمعی، چه در ورزشهای فردی، چه در کشتی، چه در وزنه‌برداری، چه در کوهنوردی، چه در ورزشهای رزمی و امثال اینها، تا انسان و آن رزمنده و ورزشکار هوشیار نباشد، ذهن فعال و جستجوگر و تیزی نداشته باشد، امکان ندارد به مراحل بالا برسد. بنابراین یک قهرمانی را که ما نگاه میکنیم، او را مظهري از هوش، از همت و اراده، از توانائی‌های جسمانی و بسیاری از خصوصیات دیگر مشاهده میکنیم. طبعاً در پهلوان ورزشی اعتمادبه‌نفس زیاد است؛ قاعدتاً اینجور است که احتیاجی به کارهایی که افراد ضعیف میکنند، ندارد؛ احتیاج به چالوسی ندارد، احتیاج به دروغگوئی ندارد، احتیاج به تقلب و دوروئی ندارد. البته نمیگوئیم همه‌ی کسانی که ورزشکارند، این صفات را ندارند و از این صفات بری‌اند؛ نه، انسانها لغزش میکنند؛ اما طبیعت پهلوانی این است که با اینجور خصوصیات اخلاقی و رذائل اخلاقی میتواند بیگانه باشد. بنابراین، این بخش شخصی قهرمانها است.

بخش عمومی و اجتماعی یک قهرمان این است که چون او مظهر توانائی‌های یک ملت در یک رشته‌ی خاص محسوب میشود، اعتماد ملی میدهد؛ یعنی به مجموعه‌ی آحاد ملت، اعتمادبه‌نفس میدهد؛ این خیلی چیز مهمی است. از طرف دیگر، یک قهرمان، آحاد جامعه را تشویق میکند به این که در این راه حرکت کنند. یعنی ورزش قهرمانی در واقع



موتور حرکت ورزش همگانی است و میتوان با ورزش قهرمانی کاری کرد که ورزش همگانی رائج شود. ورزش همگانی هم یکی از ضروریات زندگی است؛ مثل غذا خوردن است، مثل تنفس کردن است؛ باید به آن توجه کرد. این هم یک جنبه‌ی دیگر از فهرست تأثیرات اجتماعی ورزش است.

یک مسئله‌ی دیگر این است که ورزش قهرمانی، امروز که مسابقات بین‌المللی باب است و رائج است، مظهر تمایلات و استعدادها و تشخص و هویت یک ملت است؛ و این خیلی چیز مهمی است. اینکه شماها در میدانهای ورزشی، با اخلاق انسانی و با جوانمردی ظاهر شوید - و خوشبختانه ظاهر میشوید - از نظر بینندگان بین‌المللی، که امروز دیگر میلیونها و در مواردی میلیاردها تماشاچی وجود دارد و مطلع میشوند، پیام‌آور یک حقیقتی است از داخل کشورتان، که این حقیقت را با هیچ زبان دیگری نمیشد تبلیغ کرد. یک قهرمان با جوانمردی خودش تبلیغ میکند، با تدین خودش تبلیغ میکند. این مسئله‌ی بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب در میدان میروند، خیلی چیز مهمی است. من نمیدانم کسانی که درصد ارزیابی حوادث کشورند، یک ارزیابی درستی از این قضیه دارند یا نه. این، فوق‌العاده است. در کشوری از کشورهای اروپا، یک زنی را به جرم باحجاب بودن، جرأت میکنند چاقو میزنند و او را میکشند؛ آن هم در دادگاه و جلوی چشم قاضی! اینجوری است. خجالت نمیکشند؛ در دانشگاه، در ورزشگاه، در پارک، در خیابان، به حکم قانون - قانونی که جعل کرده‌اند - متعرض زن محجبه میشوند. آن وقت در این فضا، توی این کشورها، یک زن محجبه در موضع قهرمان بر روی سکوی قهرمانی می‌ایستد و همه را وادار میکند به این که او را تکریم و تجلیل کنند. این چیز کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ این کار خیلی با عظمت است. واقعاً همه باید قلباً از زنان ورزشکار ما که در میدانها با حجاب، با عفاف، با متانت و با وقار حاضر میشوند، تشکر کنند. یا همین طور ورزش جانبازان و معلولان؛ واقعاً حیرت‌آور است. وقتی که انسانها نگاه میکنند، می‌بینند این جوان دچار آسیب جسمانی، نه فقط این آسیب جسمانی نتوانسته او را از زندگی عادی باز بدارد، بلکه حتی او اینقدر همت و عزم و اراده‌ی قوی داشته که توانسته ورزشکار شود و در ورزش به این نقطه برسد که بیاید بر سکوی قهرمانی قرار بگیرد. این نشان‌دهنده‌ی عزم و اراده‌ی یک ملت است، این نشان‌دهنده‌ی تشخص و هویت یک ملت است. اینکه من از شماها تشکر میکنم وقتی که یک پیروزی به دست می‌آورد، عقبه‌ی این تشکر، احساس صادقانه و حقیقی‌ای است که در من وجود دارد؛ احساس میکنم که واقعاً شماها با این کار دارید به کشورتان، به ملتتان، به مردمتان خدمت میکنید. شما پیامهایی را میرسانید که این پیامها با هیچ وسیله‌ای قابل رساندن نیست: پیام عزم و اراده، پیام ایستادگی، پیام ایمان. ورزشکار ما بعد از پیروزی در آنچنان میدانی و در جایگاه اول جهان قرار گرفتن، شعار «یا حسین» سر میدهد؛ یا می‌افتد روی خاک سجده میکند، یا دستش را بلند میکند و خدا را شکرگزاری میکند. میدانید امت اسلامی و ملتهای مسلمان با این کار چه هیجانی پیدا میکنند؟ دنیائی که سعی میکند همه را، بخصوص جوانها را، به سوی بی‌ایمانی و لابلایگری و پشت کردن به معنویات سوق دهد، یک جوان برجسته‌ی ما - نه یک جوان معمولی - در میدان ورزش اینجور اقبال خودش را به معنویات نشان میدهد. اینها خیلی کارهای اثرگذار و مهمی است.

من میخواهم بگویم قدر خودتان را بدانید. خیلی کارهای بزرگی در میدانهای قهرمانی انجام میگیرد. خوشبختانه ایران اسلامی از بعد از انقلاب به این سمت، در این جهت پیشرفتهای عجیبی کرده. امروز شما در خیلی از میدانها جلو هستید. یک وقت هست که شما کشتی میگیرید و حریفهای خودتان را از کشورهای قدر دنیا در کشتی به زمین میزنید و بر سکوی قهرمانی می‌ایستید؛ خوب، این چیز خیلی برجسته‌ای است، خیلی مهم است؛ اما مجموع کارها را هم که حساب کنید، همین جور است. فرض کنید در یک مسابقات جهانی - همین چیزی که اتفاق افتاده - شما



مثلاً با 54 ورزشکار شرکت میکنید، 12 تا مدال می‌آورید؛ کشور آمریکا با 530 ورزشکار شرکت میکند، 110 تا مدال می‌آورد. آمریکا اگر بخواهد به اندازه‌ی شما مدال بیاورد، باید 120 تا مدال بیاورد. آمریکا با ده برابر شما شرکت میکند، باید ده برابر شما مدال بگیرد؛ باید 120 تا مدال بگیرد، اما 120 تا مدال نمی‌گیرد؛ یعنی از شما پائین‌تر است. این معنایش این است که شما اگر در رشته‌های گوناگون، با همین ظرفیت و با همین استعداد شرکت کنید، از همه‌ی اینها جلوتر هستید. اینها کارهای بارزشی است. اینها حقایقی است که نشان‌دهنده‌ی زمینه‌های ماست.

حالا امروز بحث ورزش در میان است، اما فقط مسئله‌ی ورزش نیست؛ خوشبختانه در زمینه‌ی علم هم همین جور است. در زمینه‌های تحقیقات و گسترش ژرفنگری نسبت به مسائل، چه در زمینه‌ی اقتصاد، چه در زمینه‌ی سیاست، چه در زمینه‌ی مدیریت، چه در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی، هر جا که کار به استعدادهای ایرانی واگذار شد، ما نشانه‌های پیشرفت را در آنجا مشاهده میکنیم. این استعداد ما است، این کشور ما است. تاریخ ما هم به خاطر همین است که اینقدر اعتلاء و اوج دارد. ابن‌سینا و فارابی و محمدبن‌زکریای رازی و سعدی و حافظ و امثال اینها در يك جامعه‌ی سطح پائین که متولد نمیشوند؛ این نشان‌دهنده‌ی وجود استعدادهای متراکم در این منطقه‌ی از دنیا است. خب، این استعدادها بر اثر تسلط قدرتهای سرکوبگر و مستبد و جدای از مردم و نابرخوردار از فضائل معنوی و انسانی و علمی، دچار رکود شده بود. امروز خوشبختانه انقلاب کاری کرده که این استعدادها در همه‌ی جاها و بالخصوص در زمینه‌ی ورزش دارد بروز میکنند.

خب، این مناقب شما عزیزان است که من گفتم شماها قله‌اید. هم خود شماها قله محسوب میشوید، هم کاری که میکنید، در واقع حرکت به سمت قله و حرکت دادن جمعی به سمت قله‌ها است؛ که اینها بسیار باارزش است. عرض کردیم که شما سفیران ایران و هویت و تشخص ایرانی هستید؛ این خصوصیات را حفظ کنید. این که شما می‌روید ملت خودتان را به عنوان يك ملت بااراده، دارای عزم راسخ، با ایمان، پایبند به شریعت، دارای استعداد، دارای تشخص معرفی میکنید، خیلی باارزش است؛ این را باید نگه دارید؛ نگذارید این خدشه‌دار شود.

جوانهای کشور به شما نگاه میکنند. شما در عمل، ورزش را تبلیغ میکنید؛ من می‌گویم در زبان هم ورزش را تبلیغ کنید. یعنی در گفتگوها و گفتارهای عمومی و اجتماعی و رسانه‌ای و مصاحبه و تلویزیون و امثال ذلك، جوانهای کشور را تشویق کنید؛ تجربیات خودتان را در ورزش مطرح کنید تا جوانها به شوق بیایند. ما احتیاج داریم که تمام آحاد کشور ورزش کنند؛ این واقعاً نیاز کشور است. نیروی انسانی سالم، برای کشور اهمیت درجه‌ی يك دارد؛ چون پیشرفت يك کشور، با نیروی انسانی است. منابع و معادن و استعدادهای زیرزمینی و ثروتهای طبیعی، چیزهای بسیار خوبی است؛ اما اگر نیروی انسانی نباشد، استعداد در آن کشور نباشد، همان چیزی خواهد شد که امروز در بعضی از کشورهای دارای این منابع طبیعی مشاهده میکنید؛ دیگران می‌آیند استفاده میکنند و اینها را بیشتر به تن‌پروری سوق میدهند. استعداد انسانی باید پرورش پیدا کند تا استعدادهای طبیعی حقیقتاً در خدمت جامعه قرار گیرد. پس نیروی انسانی شد مهمترین عامل.

نیروی انسانی باید عالم باشد، باهمت باشد، دیندار باشد و سالم باشد. سلامت جسمانی، شرط اصلی است. روی آوردن مردم به ورزش، بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی و اخلاقی را حل میکند؛ مثل مسئله‌ی اعتیاد، مسئله‌ی تنازعات خانوادگی، داخلی، مشکلات کسبی، اعصاب، چه و چه. اگر ورزش به صورت همگانی در کشور حقیقتاً باب شود - که البته امروز از گذشته بهتر است، لیکن هنوز به این معنا احتیاج داریم - خیلی از مشکلات حل



خواهد شد. شما در این زمینه می‌توانید مؤثر باشید؛ یعنی مروج اخلاق و سنن ایرانی باشید.

این هم که بعضی از جوانهای ما در میدان مسابقه، با طرف صهیونیسم مسابقه ندادند، خیلی باارزش است؛ برای همین هم هست که مستکبران عالم را بشدت عصبانی کرد. چند بار که این قضیه اتفاق افتاده، آنها عکس‌العمل‌های تند نشان دادند. کار این جوانهای ما خیلی کار مهمی است. یعنی واقعاً يك تلاش دیپلماتیک بسیار حساس و مهم در مقابله‌ی با رژیم صهیونیستی، همین کار است. این کار بسیار باارزشی بود که اینها انجام دادند.

يك مسئله‌ای که بر روی آن تأکید میکنم، مسئله‌ی اخلاق در ورزش است. دوستان گفتند، من هم اطلاع دارم و قبول دارم. خوشبختانه جامعه‌ی ورزشی ما از لحاظ اخلاق، جامعه‌ی سالمی است؛ لیکن در این مسئله خیلی باید پافشاری کرد. لغزشگاه وجود دارد. جوان ورزشکار ما وقتی که بر روی امواج تبلیغ و توجه جهانی و توجه افکار عمومی قرار میگیرد، در خطر اخلاقی قرار میگیرد. ما باید خودمان را از این خطر اخلاقی نگه داریم. شما که ورزشکارید، در درجه‌ی اول، و بعد مسئولین ورزشی و کسانی از مدیریتهای گوناگون که به این مسائل اهتمام دارند و این مسائل با آنها ارتباط پیدا میکند، باید به مسئله‌ی اخلاق در ورزش توجه کنند. مسئله‌ی اخلاق در ورزش خیلی مهم است. مغرور نشدن، مردمی ماندن، جوانمرد ماندن، با مردم بودن، برای مردم دل سوزاندن، خیلی مهم است. پیدا شدن این خصوصیات در انسان يك مسئله است، ماندن این خصوصیات در انسان مسئله‌ی مشکلتری است؛ اینها را انسان باید حفظ کند.

به نظر من بعضی‌ها فضای ورزش را خراب میکنند؛ با تخریب، با تهمت، با دروغ، با دعوا راه انداختن بین مجموعه‌های ورزشی. متأسفانه سهم رسانه‌های ورزشی هم در این کار خلاف، سهم کمی نیست. اینجا لازم است من این را تذکر بدهم، هشدار بدهم. رسانه‌های ورزشی يك چیز کوچکی را علیه کسی، يك جریان ورزشی‌ای، يك تیمی، يك فدراسیونی، يك ورزشکاری پیدا میکنند، همین را وسیله قرار میدهند؛ این را به جان آن بیندازند، آن را به جان این بیندازند؛ دعوا کنند، از افراد مصاحبه بکشند. آن مصاحبه‌شونده هرچه حرف تندتر بزند، هرچه بیشتر بدگویی کند، هرچه در صحبت‌هایش بیشتر فحش و فضحیت باشد، آن رسانه خوشحال‌تر است! این کار بدی است. این رسانه‌ها درست نقطه‌ی مقابل باید حرکت کنند، به عکس باید عمل شود.

يك نکته‌ی دیگر هم که من بارها گفته‌ام - این مربوط به مسئولین ورزش است - این است که اولویتهای ما در رشته‌های ورزشی مورد نظر قرار دهید. بعضی از رشته‌های ورزشی هست که ما در داخل کشور، هم سابقه‌اش را داریم، هم ظرفیتش را داریم، هم تجربه‌اش را داریم - یعنی توانائی‌های گوناگون داریم - این رشته‌ها قهرمانی‌آور است. من آن سالها بعضی از رشته‌ها را اسم می‌آوردم. خوب، در فلان رشته ما در دنیا هیچ رتبه‌ای نداریم، شانس هم نداریم؛ یعنی اقبال این که رتبه هم بیاوریم، نداریم - که البته دلالی هم دارد - اما در بعضی از رشته‌ها ما در دنیا رتبه داریم. امروز شما در دنیا روی سکوی قهرمانی قرار میگیرید - مثلاً در کشتی، یا در وزنه‌برداری، یا در بعضی از رشته‌های دیگر - این خیلی مهم است. من چند سال قبل از این - یادم نیست چه سالی بود - که همین دوستان ورزشی اینجا آمدند و ملاقات کردند، مثلاً از «چوگان» اسم آوردم. خوب، چوگان ورزش ما ایرانی‌ها است، مال ما است؛ ورزش خوبی هم هست، ورزش سرگرم‌کننده و شادی هم هست. استعداد این ورزش در ایران وجود دارد؛ اگر وجود نداشت، پیش نمی‌آمد. در طول تاریخ، ورزش چوگان در ایران چیز معروفی بوده است. یا مثلاً بعضی از ورزشهای باستانی، که بعدها يك کارهایی شد و تلاشهایی انجام گرفت. اینها کارهای شیرینی است، کارهای زیبایی است که



انجام میگیرد. به هر حال اولویتها را نگاه کنید و بیشتر به رشته‌هائی بپردازید که ریشه‌دارند؛ بخصوص دارای ظرفیت و استعدادند؛ بخصوص مربی‌های داخلی دارند.

یکی از برادران گفتند که از مربی‌های خارجی استفاده شود؛ من مخالفتی ندارم. این تصور نشود که من از این که از یک مربی خارجی خوب به‌دردبخوری استفاده شود، مخالفم؛ اما وقتی که شما از یک مربی داخلی برای فوتبال یا بسکتبال یا والیبال یا کشتی یا هر ورزش دیگر استفاده میکنید، من خوشحال میشوم و احساس سرافرازی میکنم. این خیلی خوب است که مربی بچه‌ها و جوانهای ما یکی از خودمان باشد؛ همین جا تربیت شده باشد، پرورش پیدا کرده باشد. البته بعضی از مربی‌های خارجی خوبند، بعضی‌شان خوب نیستند؛ پول هم زیاد میگیرند، توقع هم زیاد دارند، گاهی کار هم انجام نمیدهند؛ از این قبیل هم هست. بنابراین اگر یک وقتی راجع به مربی خارجی صحبت شده، حرف من ناظر به این است.

دوستان راجع به علمی کردن ورزش صحبت کردند؛ کاملاً درست است؛ این جزو حرفهای من است، بارها هم گفته‌ام. در زمینه‌های ورزشی - آنهایی که قواعد علمی دارد - تعمق علمی کنند؛ کارهای افزایشی بر تحقیقات علمی انجام دهند. یک چیزی که فرض کنید امروز دنیا در زمینه‌ی فلان ورزش کشف کرده و روی آن کار میشود، این که حرف آخر نیست - مثل خیلی از کارهای علمی دیگر - حرفهایی بر اساس آنها و بر روی آنها میشود زد، که آنها را اعتلاء بدهد، یا حتی آنها را نسخ کند. خوب، این کارها در ایران انجام بگیرد. ما که در زمینه‌های دشوار علمی، این همه داریم پیشرفت میکنیم، به وسیله‌ی همین جوانها بوده است. کارهایی را انجام دادیم که هرگز به خاطر دشمنان ما هم خطور نمیکرد که ایرانی بتواند انجام دهد. خوب، این را هم انجام دهید.

سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران داشت تمام میشد، به ما گفتند باید بیائید اورانیوم 5/3 درصدتان را به فلان کشور بدهید تا او تبدیل کند به 20 درصد؛ بعد او بدهد به فلان کشور، که او تبدیل کند به سوخت؛ بعد با اجازه‌ی آقایان دنیا، این سوخت بیاید داخل! یعنی از چندین خان بگذرد، که قطعاً هم نمیگذشت. اگر چنانچه ما میخواستیم سوخت هسته‌ای را برای همین رآکتورهای تحقیقاتی که در اینجا داریم، از اینها بخریم، تا ملت ایران را دلیل و تحقیر نمیکردند، ذره‌ای از آن را به ما نمیدادند. یک وقتی من گفتم اگر همین نفتی که ما امروز داریم، مال اروپایی‌ها بود و بنا بود ما از آنها نفت یا بنزین بخریم، بطری بطری‌اش را با قیمت‌های گزاف به ما میفروختند. آنها اینجوری اند. خوب، اینها فکر میکردند که ما برای خرید سوخت 20 درصد مجبور خواهیم شد و زیر بار خواهیم رفت؛ لذا این موانع را درست کردند. اما جوانهای ما آمدند کار تحقیقاتی کردند و سوخت 20 درصد را خودشان درست کردند. بعد آنها خیال میکردند که ما نمیتوانیم صفحه‌ی سوخت و میله‌ی سوخت درست کنیم؛ اما جوانهای ما درست کردند و کار گذاشتند. حالا آنها مانده‌اند در مقابل عمل انجام شده‌ی ملت ایران!

کارهای به این پیچیدگی و به این بزرگی دارد انجام میگیرد؛ در زمینه‌ی ورزشی هم چه اشکالی دارد که کارهای بزرگی انجام شود؟ قواعدی که امروز در مورد ورزش در دنیا وجود دارد؛ چه ورزشهای انفرادی مثل کشتی و وزنه‌برداری، و چه ورزشهای دسته‌جمعی، مورد مذاقه‌ی علمی قرار بگیرد، بر اینها افزوده شود، یک بخشهایی از آن اصلاح شود.

ورزش را از لحاظ علمی جلو ببرید. این مال آن ورزشهایی است که در دنیا قواعد ورزشی و قواعد علمی دارد و معمول



است. بعضی از ورزشهای ما هم هست که قواعد علمی ندارد؛ باید برای اینها قواعد علمی وضع کنیم - که میشود وضع کرد - مثل همین ورزشهای باستانی که گفتند. بعضی از این ورزشهای باستانی، ورزشهای خیلی قشنگی اند؛ مثل همین میل گرفتن، که مشهدی‌ها به آن میگویند گوارگه؛ این یک ورزش خیلی شیرین قشنگی است. خوب، چه اشکالی دارد که برای این یک قواعدی درست شود و بیاید در عداد ورزشهای عمومی؟ یا مثلاً چرخ. یا از این قبیل ورزشهایی که در ورزش باستانی ما وجود دارد.

به هر حال امیدوارم خدای متعال ان شاء الله همه‌ی شماها را موفق بدارد. از کارهایی هم که جوانهای ما در میدانهای مسابقه کردند - مثل اذان گفتن بر روی قله‌های سر به فلک کشیده، یا سجده کردن در میدان مسابقه، یا دست به دعا برداشتن، یا نام ائمه را بر زبان آوردن، یا حفظ عفاف دینی - من صمیمانه از همه‌ی شماها و آن عزیزان متشکرم. خدا ان شاء الله شماها را موفق بدارد. شما نور چشم ملت ایران هستید و ان شاء الله باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته